



جمعه ۱۵ تیر ۱۳۹۷ - ۶ ژوئیه ۲۰۱۸ هفته‌نامه اجتماعی، فرهنگی سال اول - شماره پانزدهم

گذر زمان

تیم هورتونز، رؤیای  
کانادایی یک بازیکن هاکی

قهوه‌ای که به نماد یک ملت  
بدل شد

۴۶

سکه

بازار اجاره مونترال  
روی شیب صعود

دهها هزار واحد جدید اجاره‌ای  
در راه بازار

۱۷

نمای نزدیک

نوبت بازی آتش  
به نوای موسیقی

آغاز جشنواره آتش‌بازی  
مونترال

۱۳

# فصل خنده برای مونترال





[www.medad.ca](http://www.medad.ca)

مداد، مجله آنلاین مونترال  
هفته‌نامه اجتماعی، فرهنگی  
شماره پانزدهم، جمعه ۱۵ تیر ۱۳۹۷

سردبیر: شهرام یزدان‌پناه  
خبر: تحریریه «مداد»  
اجتماعی: آزاده مقدم  
ادبیات: علی زندیه‌وکیلی

هنر: پریسا کولان  
سلامت: مهرنوش اردلان‌یکتا  
دانش، تاریخ: مریم ایرانی  
سیاست، اقتصاد: شهرام یزدان‌پناه

صفحه آرایی، طراحی و گرافیک: آتلیه گرافیک مانا

«مداد» هفته‌نامه دیجیتالی است و چاپ نمی‌شود.  
اشتراک مجله هفتگی «مداد» رایگان است.  
مشترکان هر جمعه نسخه الکترونیک «مداد» را روی ایمیل دریافت می‌کنند.  
برای اشتراک اینجا کلیک کنید  
برداشت و استفاده از مطالب «مداد» در صورت ذکر منبع مجاز است.  
اگر مایل به نوشتن در «مداد» هستید، مطالب خود را به ایمیل زیر ارسال کنید:

[editor@medad.ca](mailto:editor@medad.ca)

«مداد» در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب رسیده آزاد است.  
«مداد» هیچ مسئولیتی در قبال آگهی‌های تجاری ندارد.  
تلفن: 4387388068

آدرس:

3285Cavendish Blvd, #355 - Montreal, QC - H4B2L9

ایمیل:

[info@medad.ca](mailto:info@medad.ca)



با تبلیغ در «مداد» نه تنها به مشتریان خود وصل می‌شوید بلکه ادامه این حرکت فرهنگی را نیز ممکن می‌سازید. پیشاپیش از شما سپاسگزاریم. برای درج آگهی در «مداد» با ما تماس بگیرید. ما فقط آگهی نمی‌فروشیم، مشاوره تبلیغاتی رایگان هم می‌دهیم.

تلفن واحد آگهی‌ها: 5149160083  
ایمیل: [ads@medad.ca](mailto:ads@medad.ca)

# مشارکت در ساخت آینده

چند روز پیش برای کاری به دیدن یکی از ایرانی تباران قدیمی مونترال رفتم. سال‌ها در مونترال درس خوانده، کار کرده و حالا هم کسب و کار خودش را راه انداخته است. خانم جوانی که از هر دو فرهنگ شرقی و غربی رگه‌هایی قوی در وجودش داشت و وقتی در مقام مقایسه می‌نشست، خوب می‌توانست از هر دو منظر منصفانه به قضیه نگاه کند.

لابلای حرفه‌ایمان وقتی به موضوع فرهنگ مشارکت و همیاری رسید، به ساده‌ترین شکل ممکن از پسرش برایم مثال آورد که چگونه در آغازین روزهای دوران نوجوانی‌اش دنبال قهرمان و سوپرمنی می‌گردد که مشکلاتش را حل کند و بعد اضافه کرد تا وقتی جامعه ما متوجه نشود که مشکلات را خودش باید با دست خودش حل کند، گرفتاری‌ها وجود خواهد داشت، چه اینجا در کامیونیتی کوچک ایرانیان باشد و چه در کشور ایران.

از دفترش که بیرون آمدم موج گرمای سخت چند روز پیش پوست صورت‌م را سوزاند و ناخودآگاه به یاد اخبار وحشتناکی افتادم که حکایت از کشته شدن ۳۳ نفر (تا آن موقع) در اثر گرمزدگی داشت. اخباری که از اتاق‌های دم کرده و داغ بیمارستان‌ها و مراکز نگهداری از سالمندان صحبت می‌کرد. اتفاقات بد، حتی اینجا در کانادا هم کم نیستند. اگر این اتفاقات آزارمان می‌دهد، اینجا کشور مشارکت است و صدای هر رأی شنیده می‌شود.

اعتراض کنید، شکواییه بنویسید، امضا جمع کنید، کمپین راه بیندازید و آینده را بسازید. انتخابات پارلمانی استان کبک نزدیک است. حتی اگر هنوز حق رأی ندارید، خبرهای انتخابات را دنبال کنید و با صحبت با آن‌هایی که حق رأی دارند، سعی کنید اثر انگشت خود را در انتخابات به جای بگذارید. اینجا در کانادا، آینده را شما می‌سازید و از قهرمان خبری نیست.

وقتی سوار ماشینم که از گرمای آفتاب مثل کوره داغ و سوزان شده بود، می‌شدم یادم افتاد که خانم جوان به من نصیحت می‌کرد اینجا اخلاقشان این است که تا وقتی چیزی نخواهی، کسی چیزی به تو نمی‌دهد.  
«بکوب تا در به رویت باز شود»

شکر از راه پناه

Clinique Dentaire  
**Villeray**



کلینیک دندانپزشکی

**ویلری**

**دکتر انوش عندلیبی**

جراح دندانپزشک

**تلفن: ۵۱۴۲۷۰۰۰۷۷**

61, rue Villeray  
métro De Castelnau  
Montréal, Qc. H2R 1G2

[ciliniquedentairevilleray@yahoo.ca](mailto:ciliniquedentairevilleray@yahoo.ca)



دریچه مهاجرت  
دریچه ای رو به مهاجرت



مشاور رسمی مهاجرت کانادا  
(RCIC)



<https://t.me/immigrationdoor>

iccrc  
IMMIGRATION CONSULTANTS OF  
CANADA REGULATORY COUNCIL



crcic  
CONSEIL DE RÉGLEMENTATION DES  
CONSULTANTS EN IMMIGRATION DU CANADA

سهیل احمدی

+1 (514) 748-0949

تماس مستقیم و رایگان از ایران با دفتر کانادا

+98 21 86081897

+98 21 88207093

کبک، مونترال، خیابان سن کترین غربی، پلاک ۴۰۵۵

واحد ۱۶۵ - کدپستی H3Z 3J8

ارزیابی رایگان در وبسایت

[www.ImmigrationDoor.com](http://www.ImmigrationDoor.com)

کانادا هفته گذشته  
یکصد و پنجاه و یکمین تولد خود را  
جشن گرفت

نمایی از برج صلح پارلمان کانادا،  
اوتاوا / گروه عکس ممداد



# کاهش نرخ بیکاری در مونترال



تحریر به مداد Montreal Gazette: برای چهارمین ماه متوالی نرخ بیکاری در مونترال ۰,۴ درصد کاهش یافت و از ۶,۲ درصد در ماه می به ۵,۸ درصد به ماه ژوئن رسید.

به گزارش اداره آمار کانادا این نرخ بیکاری در مونترال از مقدار مشابه در ژوئن سال گذشته ۰,۷ درصد کمتر است و نشان از بازار کار فعال مونترال دارد. این چهارمین ماه متوالی است که نرخ بیکاری مونترال زیر شش درصد قرار دارد. به گزارش اداره آمار کانادا در فاصله ماه‌های می تا ژوئن بیش از ۱۰ هزار فرصت شغلی در مونترال ایجاد شده که باعث کاهش نرخ بیکاری در مونترال شده است.

کاهش نرخ بیکاری در مونترال در حالی است که نرخ بیکاری در استان کبک تقریباً ثابت مانده و تنها یک‌دهم درصد افزایش نشان می‌دهد. نرخ بیکاری در کل کانادا نیز ۰,۲ درصد افزایش داشته است.

## رونق بازار مسکن شهر ادامه دارد

CTV News: اتحادیه معاملات ملکی مونترال بزرگ اعلام کرد که میزان خرید و فروش منازل مسکونی در مونترال در ماه ژوئن نسبت به ماه ژوئن سال گذشته یک درصد افزایش یافته است. بدین ترتیب بازار مسکن شهر شاهد رونق متوالی چهل ماهه بوده است. در ماه ژوئن ۴۰۸۱ مورد معامله ملکی در شهر صورت گرفته است

## مأمور خطا کار آمبولانس در دادگاه

CTV NEWS: پلیس مونترال به دنبال شناسایی قربانیان یکی از کارمندان آمبولانس شهر است که به تعرض جنسی نسبت به بیماران متهم شده است. سیلویان دپریون (Sylvain Depairon) متهم به تعرض جنسی به دو بیمار در بازه زمانی ژوئن تا نوامبر ۲۰۱۷ است اکنون مراحل دادرسی را سپری می‌کند پلیس از مردم خواست تا رد صورتی که آن‌ها گزارش‌هایی از تعرض‌های مشابه دارند با تماس با ۹۱۱ این موارد را به پلیس اطلاع دهند.

## شمار قربانیان موج گرما به ۵۰ نفر رسید

CBC: موج گرمای بی‌سابقه که هفته گذشته استان کبک و شهر مونترال را فراگرفت باعث مرگ حداقل ۵۰ نفر در استان کبک شده است. به گزارش CBC حداقل ۲۸ مورد از قربانیان ساکن مونترال و حومه آن بوده‌اند. دمای بالای به همراه رطوبت باعث شد تا مونترال شاهد رکورد شکنی گرما در روزهای گذشته باشد. این گرما به‌خصوص برای سالمندان و بیماران آزاردهنده بود و در مواردی منجر به تشدید بیماری‌های آن‌ها و مرگ شده است. عمده قربانیان این موج گرما بیش از ۶۵ سال سن داشته‌اند. یکی از مشکلات تشدیدکننده تأثیرات این گرما عدم وجود سیستم خنک‌کننده داخلی در بسیاری از ساختمان‌های قدیمی مونترال است

که باعث می‌شود تا شهروندان در برابر موج گرما آسیب‌پذیرتر باشند.

باوجود به پایان رسیدن این موج هنوز هم گرما در شهر ادامه دارد و لازم است که همه افراد به‌خصوص سالمندان و کودکان احتیاط‌های لازم را انجام دهند. نوشیدن مقدار مناسب آب برای همه در ای روزها ضروری است.

## اعتراض به نمایشی نژادپرستانه در جشنواره جاز

CTV NEWS: جشنواره جاز مونترال یکی از برنامه‌های خود را به دلیل محتوای تبعیض نژادی درون آن لغو و بابت قرار دادن این برنامه در فهرست اجراهای خود عذرخواهی کرد.

نمایش SLAV به ترانه‌های خواننده زن سفیدپوستی می‌پردازد که ترانه‌های ساخته‌شده توسط برده‌های سیاه‌پوست را می‌خواند. اجرای اصلی این برنامه بر عهده Betty Bonifassi خواننده مقیم مونترال بود که پیش‌تر نامزد اسکار بهترین ترانه فیلم نیز بوده است.

در شب آغاز اجرای این برنامه تعدادی از معترضان جلوی سالن نمایش تجمع کردند و پلیس ناچار به دخالت شد تا بتواند امنیت ورود تماشاگران را تضمین کند.

همچنین تعدادی از هنرمندان میهمان جشنواره جاز در اعتراض به این اجرا برنامه خود را لغو و اجراهای خود را مشروط به لغو این اجرا کرده بودند.



## بازگشت استفان هارپر به صحنه سیاست

مداد: در هفته‌ای که حمله‌های محافظه‌کاران به دولت لیبرال کانادا ابعاد تازه‌ای به خود گرفت، به نظر می‌رسد استفان هارپر نخست‌وزیر سابق محافظه‌کار نیز سعی دارد به عرصه سیاسی بازگردد. اندکی بعد از آنکه اعلام شد او بدون اطلاع دولت کانادا مذاکراتی با دولت آمریکا در زمینه‌ی تعرفه‌های تجاری تازه داشته است، هارپر در گردهمایی مجاهدان خلق ظاهر شد و علیه حکومت ایران به سخنرانی پرداخت. او پس از این نشست به واشنگتن رفت و خبرنگاران توانستند ورود و خروج او به کاخ سفید را به تصویر بکشند. به نظر می‌رسد همراه با کمپین تازه محافظه‌کاران علیه دولت لیبرال که به‌طور رسمی و آشکار صورت می‌گیرد مقام‌های این حزب سعی دارند در پشت پرده نیز به دولت فشار وارد کنند. ظهور دوباره هارپر در عرصه سیاسی شاید ناشی از تلاش محافظه‌کاران برای تغییر معادله قدرت سیاسی کانادا در انتخابات آینده باشد.

## پل مک کارتنی به مونترال می‌آید

CBC: سر پل مک کارتنی، یکی از نوابغ موسیقی معاصر و از اعضای گروه افسانه‌ای بیتل‌ها در ماه سپتامبر در مونترال و کبک سیتی به اجرای کنسرت می‌پردازد. در مونترال سر پل مک کارتنی در روز ۲۰ سپتامبر در سالن Bell به اجرا خواهد پرداخت. این اجرا بخشی از تور تازه این اسطوره موسیقی انگلیسی است. بلیت‌های این اجرا از ساعت ۱۰ صبح روز ۱۳ ژوئیه به فروش خواهند رفت.





## برادران اسب سوار

LES FRÈRES À CHEVAL

شنبه ۷ ژوئیه ساعت ۱۹، آواز رایگان  
محل اجرا:

[Parc Armand-Bombardier](#)

این گروه موسیقی، تلفیقی از موسیقی کانتری، رگی (reggae) و فولکلوریک است که سعی دارد مخاطب را شاد کند و به رقص و خنده درآورد.

## لاک پشت برلو

LA TORTUE BERLUE

یکشنبه ۸ ژوئیه ساعت ۱۳:۳۰، تئاتر رایگان  
محل نمایش:

[Parc Armand-Bombardier](#)

دختر بچه‌ی کوچکی به سفری  
عجاب‌انگیز در میان اسباب‌بازی‌ها  
می‌رود تا از ترس‌های خود عبور  
کند. لاک پشت برلو از کودکان  
و والدینشان دعوت می‌کند تا  
برای تماشای نمایش‌های او  
کنار اتوبوس او حاضر شوند. به  
علت محدودیت ظرفیت به شما  
توصیه می‌کنیم برای رزرو جای  
خود با شماره تلفن ۵۱۴۸۷۲۸۱۲۴  
تماس بگیرید.



# گوش کن تا بینی

## ÉCOUTE POUR VOIR

چهارشنبه ۱۱ ژوئیه ساعت ۱۵:۱۵ و ۱۶:۳۰، رقص رایگان

محل اجرا: [Square Cabot](#)

این گروه رقص همواره با هدفون‌هایی که بر گوش دارند و موسیقی که می‌شنوند حرکات موزون خود را با فضای بیرونی هماهنگ می‌کنند. در این اجرا این هنرمندان با همراهی افرادی که از ناتوانایی‌های جسمی یا ذهنی رنج می‌برند، به حرکاتی نامتعادل و گاه ناشناس برای جامعه دست می‌یابند. این هنرمندان سعی دارند تا نگاه مخاطب را به وجود انسان و ظرفیت‌های او تغییر دهند.



# پارکینگ

## PARKING

شنبه ۱۴ ژوئیه ساعت ۱۲ شب، رقص رایگان

محل اجرا: [Stationnement à étages Ethel](#)

«پارکینگ» را می‌توان میعادگاه تئاتر و رقص دانست

که مخاطب را بلافاصله به داستان نمایش، یعنی زندگی ۴ نفر، می‌کشاند. در بحبوحه‌ی جنون فضای شهری، این نمایش راهی به زندگی شخصی و روابط میان انسان‌ها باز می‌کند. لازم به یادآوری است که در صورت بارش باران این برنامه لغو خواهد شد. این نمایش مجدداً تا آخر تابستان در مکان‌ها و زمان‌های مختلفی به صحنه خواهد رفت که می‌توانید با مراجعه به سایت [accès culture](#) از آن‌ها مطلع شوید.



# نوبت بازی آتش به نوای موسیقی

## آغاز جشنواره آتش بازی مونترال

**تحریر به مداد** هفته‌ای که گذشت ایالات متحده جشن‌های روز استقلال خود را برگزار کرد. یکی از مهم‌ترین بخش‌های این جشن‌ها آتش‌بازی‌های بی‌نظیر و گسترده‌ای است که در شهرهای مختلف این کشور برگزار شد. با وجود گستردگی و زمان طولانی این آتش‌بازی‌ها، اگر دنبال ابتکارها و تنوع در آتش‌بازی هستید از این هفته باید به مونترال بیایید. جشنواره تابستانی بین‌المللی آتش‌بازی مونترال یا L'International des Feux LotoQuébec از این هفته در بندر قدیم آغاز خواهد شد. این جشنواره در اصل رقابتی میان کشورها و شرکت‌های بزرگ طراح آتش‌بازی از سراسر جهان است و شرکت‌ها و طراحان آتش‌بازی در سراسر جهان سعی می‌کنند تا آخرین ابداعات و نوآوری‌ها و نمایش‌های خود را به این مسابقه بیاورند.



این رقابت که با حمایت لوتو کبک و تیم هورتون برگزار می‌شود امسال از روز هفتم ژوئیه آغاز می‌شود. مراسم افتتاحیه این جشنواره که از ساعت ۱۰ شب روز شنبه ۷ ژوئیه برگزار خواهد شد را شرکت روبال پایروتکنیک اجرا خواهد کرد. این اجرا بر اساس ترانه‌ها و موسیقی گروه معروف آبا (ABBA) طراحی شده است که یکی از برجسته‌ترین گروه‌های موسیقی پاپ دیسکو در دهه ۱۹۷۰ بود. چهارشنبه ۱۱ ژوئیه ساعت ۱۰ شب، جشنواره به اجرای گروه steyrFire از کشور اتریش اختصاص دارد. عنوان این اجرا «بیابید برقصیم» (Let's Dance) است. این گروه آتش‌بازی را بر اساس ایده‌های مربوط به رقص‌های مختلف طراحی کرده‌اند. شنبه ۱۴ ژوئیه نوبت به اجرای احتمالا استثنایی «عاشقان پروانه» (The Butterfly Lovers) می‌رسد. این اجرا محصول یکی از شرکت‌های بزرگ طراحی آتش‌بازی چین به نام Dancing Fireworks Group است.



داستان این آتش‌بازی به روایت تراژیک از زندگی دو عاشق مربوط می‌شود که اگرچه در زمان حیات در وصال ناکام ماندند اما بعد از مرگ به شکل پروانه توانستند به وصال هم برسند. وقتی حرف از آتش‌بازی است طبیعی است که چشم‌ها به چین خیره شود جایی که این بانی و مبدع این سنت بوده است و هنوز هم در این زمینه پیشگام به شمار می‌رود. چهارشنبه ۱۸ ژوئیه شرکت Apogée کانادا به بندر قدیم می‌آید تا اجرای خود را که بر اساس ادای دین و احترام به موسیقی‌دانان و هنرمندان درگذشته طراحی شده است را اجرا کند. شنبه ۲۱ ژوئیه نوبت به فیلیپین می‌رسد که شرکت درآگون اجرایی به نام از بازی‌ها و اورنگ‌ها را اجرا کند. این اجرا به بازآفرینی و نمایشی بر مبنای تم‌های موسیقی فیلم‌های سینمایی مجموعه‌های تلویزیونی و بازی‌های رایانه‌ای معروف اختصاص دارد. شنبه ۲۸ ژوئیه آمریکا به صحنه رقابت می‌آید و در اجرایی بانام ROCK LOVES... REDUX بر مبنای قطعاتی از موسیقی راک، اجرای تازه‌ای از آتش‌بازی‌ها را به نمایش می‌گذارد اجرایی که در آن وعده داده‌شده است سطح تازه‌ای از دقت و برنامه‌ریزی زمانی به نمایش گذاشته شود.

چهارشنبه اول اوت، استرالیا با نمایشی به نام تغییر چهره دهندگان به اجرای نمایش خود خواهند پرداخت. نمایشی که از داستان‌های عامه و اسطوره‌های این کشور الهام گرفته است درنهایت این جشنواره در روز چهارشنبه ساعت ۸ به پایان می‌رسد در شب اختتامیه «آتش‌بازی بزرگ نهایی» با عنوان «فقط برای چشمان شما» برگزار خواهد شد.



این نمایش به بازسازی داستان معروف جیمز باند، مأمور ۰۰۷ و جاسوس انگلیسی خواهد پرداخت و روایتی از آتش و موسیقی دنیای پرماجرای او را بازسازی خواهد کرد.

بهترین مکان برای مشاهده این آتش‌بازی‌ها محوطه پارک تفریحی La Ronde است. همچنین در طول این اجراها پل Jacques Carter بر روی اتومبیل‌ها و دوچرخه‌ها بسته خواهد بود و تماشاگران می‌توانند روی آن قدم زده و به تماشای این آتش‌بازی بپردازند.

برای اطلاعات بیشتر می‌توانید به [وبسایت](#) این جشنواره مراجعه نمایید.

## رنگ‌ها از کجا می‌آیند؟

در طراحی آتش‌بازی رنگ و نقش مؤلفه‌های اصلی را دارند. نقش‌هایی که شعله‌های آتش در آسمان ایجاد می‌کنند بر اساس طراحی ساختار احتراق و نحوه ذخیره و انفجار مواد محترقه طراحی می‌شود.

رنگ‌ها اما به ماهیت شیمیایی موادی برمی‌گردد که برای آتش‌بازی استفاده می‌شود.

جدول زیر به شما نشان می‌دهد که هر رنگ آتش‌بازی حاصل سوختن چه ماده‌ای است.



# بازار اجاره آپارتمان مونترال روی شیب صعود

ده‌ها هزار واحد جدید اجاره‌ای در راه بازار

**شهرام یزدان‌پناه** تابستان و مخصوصاً ماه ژوئیه، فصل اسباب‌کشی مونترالی‌ها و مخصوصاً اجاره‌نشین‌هاست. در این روزها کامیون اسباب‌کشی به گوهری گران‌بها تبدیل می‌شود که برای گرفتنش باید از مدت‌ها قبل برنامه‌ریزی کرده باشی.

مونترال برای سال‌ها بهشت اجاره‌نشین‌ها بوده است و در سرتاسر کانادا درباره رویکرد این شهر در تولید انبوه مسکن اجاره‌ای و سیاست سخت‌گیرانه مونترالی‌ها در کنترل اجاره‌خانه صحبت می‌شده است؛ اما مدتی است که تقاضای زیاد برای اجاره مسکن، کنترل این بازار را دشوار کرده و نیاز بازار نیز در حال عوض شدن است.

هرچند در نگاه اول همه ساختمان‌های اجاره‌ای مونترال قدیمی هستند اما ساخت‌وساز مخصوصاً در مناطق حاشیه‌ای رونق فراوان دارد. ساخت‌وساز در این نواحی مخصوص آپارتمان‌هایی است که ساخته می‌شوند تا اجاره داده شوند.

طبق آمار شرکت وام و مسکن کانادا در محدوده سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴، به‌طور متوسط هر سال ۱۴۰۰ واحد مسکونی آپارتمانی جدید برای اجاره ساخته شده است. آماري که در سال ۲۰۱۵ و ۲۰۱۶ به ۴ هزار واحد افزایش یافت. در سال گذشته (۲۰۱۷) این آمار با رشد ۴۰ درصدی به ۷۵۰۰ واحد

نوساز اجاره‌ای رسید.  
روندی که به نظر می‌رسد امسال نیز ادامه خواهد داشت.



چراکه فقط در ۵ ماهه نخست سال جاری (۲۰۱۸) بالغ بر ۳۵۰۰ واحد اجاره‌ای نوساز ساخته و تحویل شده است.

با دیدن این آمار به نظر می‌رسد که تعادل عرضه و تقاضا باید به هم بخورد و بازار از مسکن اجاره‌ای اشباع شود؛ اما در عمل، این آمار خانه‌های خالی در دسترس است که هر سال کاهش پیدا می‌کند.

یکی از دلایل مهم این رویداد نرخ افزایشی مهاجرانی است که طی سال‌های اخیر مونترال را برای زندگی انتخاب کرده‌اند. مهاجران با توجه به ملیت و نیازهای فرهنگی و اجتماعی خود معمولاً در محله‌هایی تجمع می‌یابند که خیلی زود به اسم یک کامیونیتی مشهور می‌شود. تقریباً همه تازه‌مهاجران به دلیل وضعیت ناپایدار و امکان جابجایی در صورت پیدا کردن شغل، برای چند سال نخست زندگی خود آپارتمان اجاره‌ای را ترجیح می‌دهند. به همین دلیل هر زمان که پذیرش تعداد مهاجران افزایش می‌یابد، بازار مسکن اجاره‌ای هم رونق جدی می‌گیرد.

در کنار آن این روزها بیشتر جوانان بین دو گزینه اجاره مسکن یا خرید خانه، گزینه اجاره را انتخاب می‌کنند. دلیل مهم این موضوع افزایش قیمت خانه، افزایش نرخ بهره، قوانین سخت‌گیرانه‌تر اعطای وام و در نهایت درخواست بانک‌ها برای پرداخت پیش‌پرداخت بیشتر است. موضوعی که باعث می‌شود جوانان به زمان بیشتری برای پس‌انداز نیاز داشته باشند.

اما ساخت واحدهای مسکونی نوساز اجاره‌ای پروژه‌های سنگین و سرمایه‌بر است. از این‌رو معمولاً اجاره آپارتمان‌های نوساز بیش از آپارتمان‌های رایج ۴۰ تا ۶۰ ساله مونترال است. این روزها در مونترال شنیدن پرداخت اجاره‌ای بین ۱۵۰۰ تا ۱۸۰۰ دلار، برای یک خانواده ۴ نفری معقول به حساب می‌آید. موضوعی که تا همین چند سال پیش یک شوخی محسوب می‌شد.





## فصل خنده

### برای مونترال

جشنواره «فقط برای خنده» روزهای ۱۱ تا ۲۹ ژوئیه در شهر مونترال برگزار می‌شود

ضرب‌المثل معروف فارسی وجود دارد که می‌گوید: **تحریریه مه‌اد-**

«خنده بر هر درد بی‌درمان دوا است». طبیعتاً هم

آن‌ها که این ضرب‌المثل را باب کرده و هم آن‌هایی که در تمام سال‌ها آن را زنده نگاه داشته‌اند در دل خود می‌دانسته‌اند که مشکلات با خندیدن به آن‌ها حل نمی‌شود و از بین نمی‌روند و برای حل مسئله هزار و یک کار دیگر انجام داد.

با این وجود احتمالاً آنچه آن‌ها را به تکرار این گفته مجاب می‌کرده است این واقعیت بوده که توان ما برای حل بسیاری از مشکلات و به‌خصوص آن‌هایی که به‌ظاهر دردهای بی‌درمان ما، جامعه ما و شهر و کشور و دنیای ما هستند، از توان یک نفر به‌تنهایی خارج است و گاهی لازم است سختی مواجهه به آن‌ها را کاهش داد. گاهی باید از زاویه‌ای دیگر به آن‌ها نگاه کرد و از دورتر به نقص‌ها و ایرادها نگاه کرد و بر کلیت آن مسئله خندید تا ذهن فرصت استراحت و بازیابی و توان مواجهه دوباره خود را بیابد.

طنز و به‌خصوص طنزهای سیاسی و اجتماعی، در قالب‌ها و شکل‌های مختلف یکی از مهم‌ترین ابزارهای نگاه کردن متفاوت به موضوعات جدی بوده‌اند. کمدی در اساس و بنیان خود مگر چیزی جز روایت دوباره و تحمل‌پذیر داستان‌هایی است که واقعیت آن‌ها هراسناک و آزاردهنده است؟

به همین دلیل هم هست که در این سال‌ها و روزهای دشوار شاهد شکوفایی طنز هستیم. کمی به آمار طنز نامه‌های شبانه ایالات‌متحده نگاه کنید که چگونه پس از بر سرکار آمدن دولت تازه این کشور رونق گرفته‌اند. یا کمی عقب‌تر به سابقه تاریخی کشور خود برگردیم و به یاد بیاوریم که چطور در مواجهه با مردم افکن‌ترین دشواری‌ها، ما به ساخت و توسعه و اشاعه طنز پرداختیم.

برای ساکنان مونترال هفته آینده فرصت سالانه مغتیمی است تا خود را با بزرگان جهان طنز رودررو قرار دهند.

## جشنواره‌ای برای خنده

جشنواره فقط برای خنده (Just for Laughs) در سال ۱۹۸۳ توسط گیلبرت روزون (Gilbert Rozon) و در قالب جشنواره‌ای دوازده و کمدی تأسیس شد. از سال ۱۹۸۵ این جشنواره با دعوت از کمدین‌های انگلیسی‌زبان به رویدادی دوزبانه بدل شد و در طول سال‌های بعد از آن به تدریج آن چنان رشد کرد و قدرت گرفت که امروز به بزرگ‌ترین فستیوال کمدی جهان بدل شده است.

هرسال جمع بزرگی از ستارگان طنز جهان در مونترال و یا در مسیر مونترال گرد هم می‌آیند و آخرین برنامه‌های طنز خود را در قالب‌های مختلف اجرا می‌کنند. فضا و فرهنگ مونترال به این طنزپردازان اجازه می‌دهد تا برخی از تندروترین و ساختارشکن‌ترین طنزها را در این شهر محک بزنند. موفقیت و محبوبیت این جشنواره حالا از مرزهای مونترال فراتر رفته است و شهرهای مختلفی چون تورنتو، شیکاگو و لندن انگلستان با امتیاز و نام این جشنواره، فستیوال‌های طنز سالانه خود را برگزار می‌کنند.

## بازگشت پس از رسوایی

امسال اما برای جشنواره «فقط برای خنده» سال مهمی در تاریخ آن به شمار می‌رود. سال گذشته و پس از اوج‌گیری جنبش #Me-Too اتهام‌های آزار جنسی علیه گیلبرت روزون مطرح شد. او در پی مطرح‌شدن این اتهام‌ها نه تنها از سمت خود استعفا داد که به‌طور کامل از هر نوع سازوکار مرتبط به جشنواره کنار رفت.

گروهی از کمدین‌های کبکی در واکنش به این رسوایی اعلام کردند جشنواره مستقلی به نام Le Grand Montréal Comédie Fest را تأسیس خواهند کرد که البته بخشی از ایده آن به‌واسطه تأکید بر کمدی فرانسه زبان بود. دامنه این رسوایی و تأثیر آن بر جشنواره آن قدر جدی بود که گیلبرت و شرکت او که مالک جشنواره به شمار می‌روند ناچار به فروش جشنواره شدند. در آغاز سال ۲۰۱۸ یک شرکت استعدادیابی آمریکایی به نام ICM Partners و هویی مندل کمدین کانادایی این

جشنواره را خریدند اما متعهد شدند که مقر این جشنواره را در شهر مونترال حفظ کنند؛ اما این اطمینانی موقت و شکننده بود و برای اطمینان از باقی ماندن این جشنواره معروف



جهانی در مونترال، رایزنی‌های مکرری صورت گرفت تا اینکه در نهایت یک کنسرسیون کانادایی که مهم‌ترین شریک آن شرکت Bell بود ۵۱ درصد سهام این جشنواره را خرید تا اکثریت مالکیت جشنواره در اختیار کانادا باقی بماند.

## ستاره‌های امسال

امسال هم گروه بزرگی از کم‌دین‌های به مونترال می‌آیند. شاید یکی از برجسته‌ترین چهره‌های امسال تراور نوآ، باشد. تراور نوآ مجری برنامه دیلی شو است. برنامه طنز شبانه معروفی که با اجرا و مدیریت جان استوارت به یکی از مهم‌ترین برنامه‌های سیاسی سال‌های اخیر بدل شد و پس از بازنشستگی جان استوارت، تراور نوآ اجرای آن را بر عهده گرفت. در کانادا برنامه او را می‌توانید در روزهای دوشنبه تا پنج‌شنبه در نیمه‌شب از شبکه CTV مشاهده کنید.

تراور اهل آفریقای جنوبی است و از پدری سفیدپوست و مادری سیاه‌پوست به دنیا آمده است و یکی از برجسته‌ترین چهره‌های طنز سیاسی معاصر به شمار می‌رود.

جیم کری، کم‌دین و بازیگر سرشناس هالیوودی یکی دیگر از ستاره‌های امسال جشنواره خنده مونترال است.

مانند سال‌های قبل، ماز جبرانی کم‌دین ایرانی‌الاصل نیز گروهی از کم‌دین‌های اقلیت‌های مختلفی را گرد هم آورده است و شو ویژه خود را به صحنه خواهد برد. تیفانی هدیش، جو کوی، ایلیزا، روی وود، ملیسا ویلاسنور و بسیاری دیگر نیز در تابستان امسال در مونترال بر روی صحنه خواهد رفت.

برای مشاهده فهرست کامل میهمانان این برنامه و تهیه بلیت آن می‌توانید به این [نشانی](#) مراجعه کنید.

شاید این روزهای گرم و داغ تابستانی که از همه سوی جهان از دو سوی اقیانوس سیل خبرهای ناخوش آیند بر سر آوار می‌شود این جشنواره فرصت مناسبی باشد تا کمی به ذهن خود استراحت دهیم و از دورتر به داستان‌ها نگاه کنیم و کمی انرژی خود را بازیابیم تا با این دنیای عجیب دست‌وپنجه نرم کنیم.



# فشار خون بالا نامی آشنا که کمتر به آن توجه داریم

مهرنوش اردلان یکتا بارها شده است که فردی از اعضای خانواده و یا دوستان از مشکل فشارخون بالا شکایت کرده‌اند و یا در مواردی پزشک به شما گفته است که فشارخونتان کمی بالاست و شما از شنیدن چنین چیزی تعجب کرده‌اید. چون همیشه این بیماری را مرتبط با سن بالا و کهولت سن می‌شناختید. شاید یکی از عواملی که باعث چنین شگفتی می‌شود عدم آشنایی کافی با این بیماری باشد.

## فشارخون بالا چیست و چقدر همه‌گیر است؟

فشارخون به وسیله مقدار خونی که قلب پمپ می‌کند و مقدار مقاومت دیواره عروق در برابر جریان خون به وجود می‌آید. در زمان انقباض قلب که هم‌زمان با ضربان قلب است فشارخون در بیشترین مقدار خودش است که به آن فشارخون سیستولیک گفته می‌شود و زمانی که قلب در حال استراحت بین ضربه است در کمترین فشار است که به آن فشارخون دیاستولیک می‌گویند. هر چه مقدار خونی که قلب پمپ کند، بیشتر باشد و مجرای عروق تنگ‌تر باشد فشارخون بالاتر است. فشارخون بالا یا پرفشاری خون در طولانی‌مدت می‌تواند به عروق خونی و قلب آسیب برساند.

یکی از مشکلات بسیار شایع در دنیا پرفشاری خون است. بر اساس آمار سازمان Hypertension Canada برآورد می‌شود که از هر ۱۰ کانادایی ۹ نفر در طول عمر خود ممکن است مبتلابه فشارخون بالا شوند و ۵۳ درصد از افراد بالای ۶۰ سال به این بیماری مبتلا هستند. حدود ۱۷ درصد افراد مبتلا از بیماری خود خبر ندارند. این ارقام در مورد ایران با توجه به آخرین مطالعه کشوری که در سال ۱۳۹۵ صورت گرفته است، تعداد افراد مبتلا را حدود ۱۰ میلیون نفر برآورد شده است.

نشانه‌های فشارخون بالا بیشتر افراد با فشارخون بالا معمولاً تا زمانی که افزایش فشار به مرحله خطرناک و تهدیدکننده حیات نرسیده باشد هیچ نشانه‌ای از بیماری ندارند. نشانه‌های این بیماری می‌تواند شامل: سردرد، مشکلات بینایی، تنگی نفس و یا سرگیجه باشد.

با یک فشار گرفتن ساده با دستگاه فشارسنج می‌توان بسیار سریع به تشخیص رسید. به همین دلیل توصیه می‌شود در افراد ۱۸ تا ۳۹ سال حداقل دو سال یک بار و یا افراد بالای ۴۰ سال یا کسانی که زیر ۴۰ سال هستند و در گروه پرخطر دسته‌بندی می‌شوند سالی یک‌بار فشارشان در یک مرکز درمانی کنترل شود.

بر اساس اعلام [سایت بهداشت کانادا](#) فشارخون ۱۴۰/۹۰ میلی‌متر جیوه و کمتر در افراد عادی، فشارخون طبیعی تلقی می‌شود. البته در افراد دیابتی و یا کسانی که بیماری مزمن کلیوی دارند این عدد ۱۳۰/۸۰ میلی‌متر جیوه است. البته در اواخر سال ۲۰۱۷ انجمن قلب و عروق آمریکا در معیار و عدد استاندارد خود بازنگری کرد و بر اساس توصیه‌نامه جدید این انجمن، این عدد به کمتر از ۱۲۰/۸۰ میلی‌متر جیوه کاهش یافته است.



## عوامل خطر

هر فردی در طول زندگی می‌تواند به فشارخون بالا مبتلا شود، ولی برخی از عوامل ریسک این بیماری را افزایش می‌دهند:

سن: فشارخون با افزایش سن تمایل به بالا رفتن دارد.  
نژاد/قومیت: افزایش فشار در بعضی نژادها مانند آمریکایی‌های آفریقایی‌تبار بیشتر دیده می‌شود.

وزن: افرادی که اضافه‌وزن دارند و یا چاق محسوب می‌شوند بیشتر از دیگران به فشارخون بالا مبتلا می‌شوند.

جنسیت: قبل از سن ۵۵ سال مردان بیشتر از زنان به پرفشاری خون مبتلا می‌شوند و بعد از ۵۵ سال، زنان بیشتر به فشارخون بالا مبتلا هستند.

سابقه خانوادگی: سابقه خانوادگی پرفشاری خون، احتمال ابتلا را افزایش می‌دهد.

سبک زندگی: مصرف بیش‌ازاندازه نمک سدیم، مصرف کم پتاسیم، کمبود تحرک، نوشیدن زیاد الکل و سیگاری بودن خطر ابتلا به فشارخون را بالا می‌برد.

استرس: سطح بالای استرس در زندگی می‌تواند منجر به فشارخون بالا شود.

برخی از بیماری‌های مزمن خاص: بیماری‌هایی مانند دیابت و بیماری‌های کلیوی خطر ابتلا به فشارخون را افزایش می‌دهند.

بعضی از شرایط مانند بارداری نیز فشارخون را بالا می‌برد که علل آن کاملاً می‌تواند متفاوت باشد.



## عوارض فشارخون

فشارخون بالا در صورت عدم درمان در طولانی‌مدت می‌تواند منجر به بیماری‌های خطرناکی مانند سکته‌های مغزی، سکته‌های قلبی، نارسایی قلبی، ضخیم‌شدگی و پارگی عروق چشم، نازک شدن دیواره عروق بزرگ مانند آئورت شکمی و تورم و درنهایت پارگی آنوریسم، باریک‌شدگی عروق کلیه‌ها، کم‌شدن حافظه و درنهایت زوال عقل شود.

راه‌های پیشگیری

- داشتن تغذیه سالم : کاهش مصرف نمک، مصرف بیشتر سبزی و میوه به همراه استفاده از غذاهای کم‌چرب را شامل می‌شود.

- ورزش منظم: توصیه‌شده است که در هفته به مدت دو ساعت و نیم ورزش‌های هوازی با شدت متوسط و یا یک ساعت و ربع با شدت بیشتر انجام شود.

- وزن خود را کنترل کنید

- محدود کردن میزان الکل : زنان در روز بیشتر از یک واحد الکل و مردان دو واحد الکل مصرف نکنند (یک واحد الکل برابر با ۳۵۰ سی‌سی آبجو یا ۱۵۰ سی‌سی شراب است).

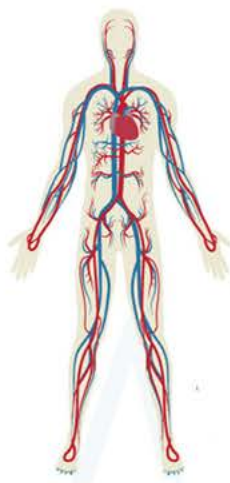
- حذف سیگار

- مدیریت استرس: با استفاده از روش‌های مدیریت استرس مانند ورزش، گوش کردن به موسیقی و یا مراقبه

بیشتر غذاها و مواد غذایی آماده و نیمه آماده در کانادا حاوی مقدار بالای نمک و چربی است و از سویی با توجه به شرایط مهاجرت و افزایش استرس‌های محیطی دو عامل خطر مهم افزایش فشارخون در زندگی ما وجود دارد.

پس بهتر است با دقت بیشتری مراقب سلامت خود و خانواده خود باشیم و نیم‌نگاهی به سلامت و وضعیت فشارخون خود داشته باشد.

# حقایق در مورد فشارخون بالا در کانادا



محدوده طبیعی فشارخون کمتر از ۸۴-۸۰ میلی‌متر جیوه است.

اگر فشارخون در منزل گرفته شود، مقدار ۱۳۵ یا بیشتر بر روی ۸۵ میلی‌متر جیوه، فشارخون بالاست.



قاتل خاموش، غالباً بدون نشانه است. ۹,۴ میلیون فوت ناشی از فشارخون بالا در سال ۲۰۱۵.



از هر ۱۰ کانادایی ۹ نفر در طول زندگی فشارخون خواهد گرفت.



اگر نمک کمتری در رژیم غذایی مصرف شود، یک نفر از هر سه نفر با فشارخون بالا می‌توانست فشارخون طبیعی داشته باشد.



سالانه ۲۰ میلیون ویزیت پزشک در نتیجه پرفشاری خون صورت می‌گیرد.



۷,۵ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ به فشارخون بالا مبتلا بوده‌اند.



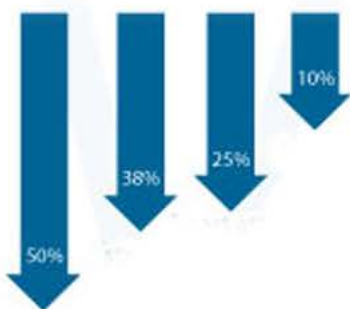
۱۷ درصد از کانادایی‌هایی که به فشارخون بالا مبتلا هستند از بیماری خودآگاه نیستند.



در هر ۷ دقیقه یک کانادایی بر اثر حمله قلبی و یا سکته مغزی فوت می‌کند.



۵۳ درصد کانادایی‌های بالاتر از سن ۶۰ سال فشارخون بالا دارند.



چنانچه میزان فشارخون فرد به‌وسیله تغییر سبک زندگی یا مصرف داروهای کاهنده فشار ۱۰/۵ میلی‌متر جیوه کاهش یابد، خطر بیماری‌های جدی مرتبط با فشارخون بالا به میزان‌های زیر کاهش می‌یابد:

- ۵۰ درصد نارسایی قلبی
- ۳۸ درصد سکته مغزی
- ۲۵ درصد حمله قلبی
- ۱۰ درصد مرگ.



سالانه ۸۵ میلیون داروی پائین آورنده فشارخون توسط پزشکان نسخه می‌شود.



در سال ۲۰۱۵، ۱۵ میلیارد دلار برای فشارخون هزینه شده است که این میزان تا سال ۲۰۲۰ به ۲۰ میلیارد دلار خواهد رسید.



پاسخ به پرسش‌های  
پزشکی شما



مهرنوش اردلان یکتا سال‌ها در ایران طبابت کرده و حالا اینجا در مونترال تلاش دارد با روزنامه‌نگاری، تجربیات خود را در اختیار شما قرار دهد. او پاسخگوی سؤالات شما در حوزه سلامتی خواهد بود. این پاسخ‌ها صرفاً جنبه اطلاع‌رسانی دارد. برای هرگونه درمانی باید به پزشک خود مراجعه کنید. سؤالات پزشکی خود را به آدرس زیر ارسال کنید:

[info@medad.ca](mailto:info@medad.ca)

با سلام.

آقای ۴۵ ساله هستم که از سه روز قبل درد پاشنه شدیدی به خصوص صبح‌ها به محض برخاستن از خواب و قدم گذاشتن بر زمین و گاهی هنگام پلند شدن از وضعیت نشسته احساس می‌کنم. معمولاً درد بعد از اینکه چند قدم راه می‌روم از بین می‌رود. ولی در طول روز ممکن است دوباره به سراغم آید. با توجه به این که به مدت یک ماه است که به دلیل اضافه‌وزن شروع به دویدن کرده‌ام، تشخیص شما چیست؟

سلام بر شما دوست عزیز. با توجه به نشانه‌هایی که در توضیح درد ذکر کردید به نظر می‌رسد درد پاشنه به التهاب نوار فیبری کف‌پایی یا Plantar Facsiitis مربوط باشد. دویدن سنگین و وزن بالا، همین‌طور قوس زیاد کف پا و یا صاف بودن کف پا همگی می‌تواند علت این التهاب باشد. توصیه من به شما کم کردن شدت دویدن و استفاده از حرکات کششی عضلات ساق پا و کف‌پایی به‌ویژه قبل و بعد از ورزش و استفاده از یخ موضعی هرروز دو تا سه بار و هر نوبت ۱۰ تا ۲۰ دقیقه است. در صورتی که کف پای صاف دارید حتماً از کفی طبی داخل کفشی استفاده کنید. نکته آخر این که در صورت عدم بهبودی و تشدید درد به پزشک مراجعه کنید.

شما هم می‌توانید  
سؤال‌های پزشکی و  
سلامت خود را از طریق  
تلگرام یا ایمیل با ما در  
میان بگذارید تا در این صفحه  
به آن‌ها پاسخ داده شود.



ابداع خلاقانه مهندس جوانی به نام جرمی بریج، فستیوال‌های موسیقی آمریکای شمالی را تسخیر خواهد کرد

# آرامش در جوار خروش سازها

بلاخره بعد از یک زمستان سخت و طولانی در مونترال و کبک و سراسر سرزمین پهناور کانادا، آب‌وهوای گرم و شرجی روی خوش خودش را به ساکنان مشتاق گرمای این سرزمین‌ها نشان داد و نوبت لذت بردن از تعطیلات تابستانی و فستیوال‌های جنجالی و متنوع رسید.

در میان این‌همه فستیوال رنگارنگ، قطعاً جشنواره‌های پرسروصدای موسیقی و سازوآواز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند.

فستیوال جاز در مونترال که این روزها علاقه‌مندان زیادی از سراسر کانادا و آمریکای شمالی و جنوبی را به اینجا کشانده است یکی از همین گردهمایی‌های پرطرفدار است و این تازه آغاز داستان فستیوال‌های موسیقی‌های تابستانی است که شهر را به تسخیر خود درخواهند آورد.

اما اگر شما هم مثل من تا الآن فکر می‌کردید که تنها نوازندگان و دی‌جی‌ها و خواننده‌ها ستاره‌های این جشنواره‌ها



هستند، باید بگویم که نه! گاهی ستاره‌های این دنیای جذاب از دنیایی دیگر ظهور می‌کنند.

امسال یکی از ستاره‌های در حال اوج این رویدادهای هنری، یک مهندس جوان خلاق نرم‌افزار که با اختراعش، سلطان فستیوال‌های جاز تابستانی کانادا شده است.

اختراع جرمی بریج، Jeremy Bridge، یک سیستم پخش صدای بسیار پیشرفته برای تماشاچیان فستیوال‌های موسیقی است که در عین حفظ کیفیت صدا تا شعاع چند کیلومتری باعث آزار و اذیت همسایگان و خانه‌ها و ساختمان‌های اطراف نمی‌شود.

سروصدا و رقص و آواز شاید برای شرکت‌کنندگان در فستیوال جذاب و منحصر به فرد به نظر برسد ولی برای کسانی که در آن شرکت نمی‌کنند، جاروجنجال مزاحمی است که هر سال در تابستان باید آن را تحمل کنند.

بنابراین اختراع مهندس جوان اهل انتاریو می‌تواند مشکل افراد محلی ساکن در نزدیکی این جشنواره‌ها را تا حد زیادی حل کند. البته به جز مردم عادی، شهرداری‌های کانادا هم می‌توانند نفس راحتی بکشند.

بنا به گزارش‌های خبرگزاری سی‌بی‌سی، همه‌ساله بعد از فستیوال‌های جاز، در حدود سی هزار دلار صرف هزینه‌های مربوط به شکایت‌های مردم از آن‌ها بابت سروصداهای فستیوال‌های جاز می‌شود.

در تابستان گذشته در استان انتاریو در حدود صد شکایت به دست مقامات محلی شهر کوچک کیچنر که هر سال

جشنواره موسیقی در آنجا برگزار می‌شود،

رسید. همین موضوع باعث شد تا

جرمی بریج به فکر تکمیل یک

سیستم صوتی پردازد که فقط

صدا را برای شرکت‌کنندگان

در جشنواره باکیفیت و

قدرت پخش کند و

بُرد زیادی در محیط



اطراف نداشته باشد. اسم سیستم ابداعی او پی کی مدل ترینیٹی PK Sound's system Trinity است.

این سیستم ابداعی دارای دستگاه‌های پخش بسیار بزرگی است که لبه‌های آن قابلیت چرخش به جهت‌های مختلف را دارند اما طوری طراحی شده‌اند که با حرکات پروانه‌ای شکل خودشان می‌توانند میدان اثر امواج صوتی را باریک و یا پهن کنند که بسامد یا فرکانس آن‌ها قابل کنترل شوند. درواقع این کار توسط ربات‌های هوشمندی که مهندس خلاق این طرح در قسمت بلندگوها کار گذاشته و قابلیت کنترل از راه دور را دارند انجام می‌شود.

جرمی بریج می‌گوید؛ ایده این اختراع، وقتی به ذهنش رسیده است که همراه با همسرش یک مغازه اجاره لوازم صوتی و تصویری را اداره می‌کردند.

او طرح کنترل جهت صدای ایجادشده از بلندگوهای صوتی را که در سیستم ابداعی‌اش پیاده کرده به بنیاد ملی تحقیقات کانادا ارائه کرده و توانسته حمایت مالی بسیار مناسبی هم دریافت کند.

شاید جالب باشد که بدانید خبر ابداع او دهان‌به‌دهان در سراسر استان‌های کانادا پیچیده به‌طوری‌که مشتریان روزبه‌روز در حال افزایش هستند.

جرمی بریج این سیستم صوتی را تا به حال در فستیوال‌های موسیقی در لاس‌وگاس و مکزیکوسیتی در آمریکا و نیز شهر هامیلتون در ایالت انتاریو به کار گرفته است. او بازخوردهای مثبتی هم بابت کارش دریافت کرده و ساکنان محلی همه از او تعریف می‌کنند که تا حد بسیار محسوسی آلودگی‌های صوتی این جشنواره‌ها دست از سرشان برداشته است. بریج که خودش یکی از عاشقان موسیقی است انگیزه بسیار بزرگش در این ابداع خارق‌العاده را تنها حفظ فرهنگ فستیوال‌های موسیقی پرترفدار در سراسر دنیا می‌داند.

بدین ترتیب بعید نیست این مهندس جوان به‌زودی به یکی از ابرستاره‌های دنیای موسیقی و یکی از فاتحان بزرگ فستیوال‌های موسیقی آمریکای شمالی بدل شود.

# دزدان دوست‌داشتنی

## این بار نوبت کلاه‌برداری زنان است

نگاهی به فیلم سینمایی اوِشن ۸

در ژانر داستان‌های دزد و پلیس، معادله هواداری ما به نظر ساده می‌آید. وقتی نیروی قانون در مقابل خلاف‌کاران قرار می‌گیرد طبیعی است که ما باید علاقه‌مند به پیروزی قهرمان قانون باشیم.

با این وجود گاهی پیش می‌آید که ما شیفته دزدان می‌شویم. کلاه‌برداری دوست‌داشتنی که در تمام مدت داستان نگران آن هستیم مبادا پلیس آن‌ها را به دام بیندازد یا در کلاه‌برداری خود موفق نشوند.

دلایل مختلفی وجود دارد که چرا ما در چنین روایت‌هایی ترجیح می‌دهیم طرف خلاف‌کاران را بگیریم و یکی از اصلی‌ترین دلایل آن این است که در این روایت‌ها فرصت بیشتری برای شخصیت‌پردازی و کاوش ذهن خلاف‌کاران ارائه می‌شود و ما داستان را از زاویه دید آن‌ها دنبال می‌کنیم. دوربین به چشمان ما بدل می‌شود و ما همراه گانگسترها و سارقان داستان را دنبال می‌کنیم.

گاهی انگیزه‌های آن‌ها برای ما قابل‌درک است و با آن همدلی داریم و شاید ما هم در گوشه از ناخودآگاه خود برخی اوقات کلاه‌برداری درونی داریم که





فرصتی برای بروز پیدا می‌کند. با این وجود روایت چنین داستان و ساخت چنین فیلمی می‌تواند کار چالش برانگیزی باشد. یکی از معروف‌ترین روایت‌های سینمایی از چنین فضایی فیلمی بود که در سال ۲۰۰۱ به کارگردانی استیون سودنبرگ به روی پرده‌های سینما به نمایش درآمد: اوشن ۱۱.

اوشن ۱۱ بازسازی فیلمی با همین داستان بود که در سال ۱۹۶۰ ساخته شده بود. سودنبرگ در بازسازی ای فیلم گروهی از ابرستاره‌های هالیوودی را گردم آورد تا داستان گروهی از کلاهبرداران را روایت کند که این بار در ترکیبی از انتقام‌جویی شخصی و حرفه‌ای به سراغ یکی از کازینو داران برجسته لاس‌وگاس می‌روند و در شبی استثنایی خزانه سه کازینو او را خالی می‌کنند.

داستان اوشن ۱۱ هم به واسطه حضور انبوهی از ستاره‌های برجسته سینما و هم روایت غیرخطی داستان با استقبال خوبی از سوی مخاطبان مواجه شد و داستان دنی اوشن (با بازی جرج کلونی) و یارانش آن قدر مورد توجه قرار گرفت که دو دنباله به نام‌های اوشن ۱۲ و اوشن ۱۳ بر آن ساخته شود.

اگرچه اوشن ۱۲ و ۱۳ از نظر داستان و کیفیت و جلب نظر مخاطبان نتوانستند موفقیت اوشن ۱۱ را تکرار کنند و به نظر می‌رسید سال ۲۰۰۷ و اکران اوشن ۱۳ را باید پایانی بر سه‌گانه و داستان این دزدان دوست‌داشتنی در نظر گرفت.

یازده سال بعد از اوشن ۱۳ حالا بار دیگر خانواده اوشن به صحنه برگشته است.

اوشن ۸ به تهیه‌کنندگی سودنبرگ و کارگردانی گری رُس، ای بار گروهی از ابرستاره‌های زن سینما را گرد هم آورده است تا در همان دنیا داستان تازه‌ای را روایت کند.

زمانی که خبر رسید قرار است نسخه جدیدی از اوشن‌ها با چهره‌های کاملاً زنانه ساخته شوند برخی نگران شدند که مبادا تجربه روح‌گیرها (Ghostbusters) تکرار شود.

فیلم گوست باستر یکی از محبوب‌ترین سری فیلم‌های کمدی دهه ۱۹۸۰ به شمار می‌رفت. در سال ۲۰۱۶ قرار شد نسخه تازه‌ای از این داستان ساخته شود اما با این تفاوت که همه اعضای



گروه دار و دسته روح گیرها را زنان تشکیل دهند. باوجود حضور گروهی از بهترین بازیگران زن ژانر کمدی معاصر در آن، این بازسازی به دلیل ضعف داستان و فیلم‌نامه و بازسازی تقریباً یک‌به‌یک داستان فیلم دهه ۱۹۸۰ با نقد تند منتقدان و واکنش نه‌چندان شورمندانه مخاطبان مواجه شده بود.

خوشبختانه اوشن ۸ تا حد زیادی از این تجربه درس گرفت. داستان اوشن اگرچه حداقل از نظر تم و روند و حتی صحنه‌های آغاز و پایا مشابه اوشن ۱۱ است اما سازندگان آن نخواستند دست به بازسازی بزنند و این داستان را در همان دنیایی روایت می‌کنند که داستان اوشن‌های قبلی اتفاق افتاده است.

رهبری دار و دسته دزدهای تازه را دبی اوشن (خواهر دنی اوشن و با بازی ساندرا بلاک) که تازه از زندان آزاد شده است و حالا با ترکیبی از انگیزه‌های شخصی و حرفه‌ای قصد دارد دست به سرقت جواهراتی بزند که در یکی از معروف‌ترین میهمانی‌های مُد جهان یعنی مت گالا (Met Gala) قرار است به نمایش در آید. مت گالا یکی از گران‌قیمت‌ترین و استثنایی‌ترین میهمانی‌های آمریکا است که با حضور انبوهی از ابرستاره‌های جهان سرگرمی هرسال و باهدف جمع‌آوری کمک مالی برای موزه هنر متروپولیتن نیویورک برگزار می‌شود و گاهی از آن به اسکار شرق آمریکا هم یاد می‌شود.

هدف اصلی این سرقت بازیگری به نام دافنه کروگر (با بازی آن هتوی است) و دبی برای این کار گروهی از متخصصان را برای طراحی و اجرای این سرقت گرد هم می‌آورد.

بازیگرانی چون کیت بلانشت، هلن بوهم کارتر، میندی کالیگ، سارا پالسون و ریچانا در کنار حضورهای کوتاهی از تعدادی از بازیگران قدیم اوشن ۱۱ و شخصیت‌های میهمان، به خودی خود می‌توانند هر فیلمی را به اثری دیدنی تبدیل کنند.

داستان اوشن ۸ اگرچه مشابه اوشن ۱۱ اما روان و جذاب است. بازی‌ها درخشان و دیدنی و صحنه‌آرایی و تصویربرداری جذاب و تماشایی است. داستان به نظر برخی از منتقدان حتی آن قدر خوب هست که بتوان آن را بهتر از اوشن ۱۲ و ۱۳ و البته پایین‌تر از اوشن ۱۱ قرار داد. ایجاد گروه زنانه کلاه‌برداران تنها جنبه‌ای شعاری ندارد و به‌طور طبیعی رخ می‌دهد و درنهایت فیلم آن قدر خوب از آب درمی‌آید که دو ساعت شما را به‌خوبی سرگرم کرده و آن قدر موفق باشد که از الان بتوانید به قسمت‌های بعدی آن فکر کنید.

داستانی که شاید در قسمت‌های اوشن ۹ و ۱۰ دنبال شود تا درنهایت این دو سه‌گانه در کنار هم تکمیل شوند.

## فیلم‌هایی در این ژانر

اگر از دیدن دنیای دزدان دوست‌داشتنی لذت می‌برید این فیلم‌ها را هم تماشا کنید:



### The Italian Job

محصول سال ۲۰۰۳ به کارگردانی گری گری

### :Now You See Me

محصول سال ۲۰۱۳ به کارگردانی لویی لترییر



مزنونین همیشگی (The Usual Suspects)

محصول ۱۹۹۵ به کارگردانی برایان سینگر

### Ocean 11

بازسازی داستان دنی اوشن و یاران کلاه‌بردارش



# خطای تقطیع

نگاهی بر تکه تکه کردن جهانِ پر جان  
هنر و ادبیات

سال‌هاست که دیگر جهان جغرافیایی ادبیات آن‌قدرها که در متون پیش از دهه‌ی هزار و نهصد و نود تنگ و ترش به نظر می‌رسید مرزبندی خاصی برای خود خیال نمی‌کند. مفاهیم، پس از بروز و ظهور شبکه‌ی جهانی و تنفس‌هوائی تازه در ارتباط‌های انسانی راهی دیگر را برای نمایاندن هویت خود برگزیده‌اند و ما مسیری جز دریافت و قبول این تجربه‌ی جدید نداریم.

برای مثال مفهوم «دل‌تنگی» یا حتی مفهوم «تنهایی» که به‌عنوان کانون بسیاری از آثار بلند و پراهمیت داستانی و غیرداستانی قلمداد می‌شوند، در برخی از مواقع و در چهره‌های بیرونی خویش سال‌هاست که دیگر دامنه‌ی معنایی را که در آثار شاعران و نویسندگان اوایل قرن بیستم داشته‌اند در بر نمی‌گیرند و حتی به‌راحتی می‌توان احساس کرد که از متون اواخر آن سده نیز فاصله گرفته‌اند.

دیگر باوجود نرم‌افزارهای متنوع و رسانه‌های به‌روز، انسان عصر حاضر ثانیه به ثانیه امکان ارتباط با همه‌ی آن چیزهایی را یافته که قبل‌تر توان ارتباطی برایش متصور نبود و باوجود دورتر شدن هرروزه‌اش از خویشتن خویش و سردرگمی‌افزاینده‌ای که بر پیچیدگی مفاهیمی مانند همان تنهایی و دل‌تنگی بار می‌شود این موجود بی‌چاره فرصت آن را می‌یابد تا از هیچ‌چیز دور نشود؛ از هیچ‌چیز رهایی نیابد و تنها غربتی را احساس کند که در خودش پدیدار می‌بیند.

این باشنده که بودنش همه در حرکت و تکاپو برای پریش و گذر معنا می‌یابد دیگر به مرزبندی‌ها و اجبارهایی که خاک برایش می‌ساخت وقعی نمی‌نهد. وقعی که واقعیت خود را باخته و خواستی که خواهندگی‌اش به اختیار او نیست. آدمی این حوادث را تجربه نمی‌کند. او این وقوع را می‌زید و در آوچ بودنش اگر بتواند آن را طرح می‌زند. طرحی که چون سیاه‌مشق بر تن سفید و خاک‌کی کاغذ و کتابخوان‌های الکترونیکی نقش می‌بندد، بر روی بوم رقص می‌کند و بر جان چوب و سنگ مجسم می‌شود و نت می‌شود و سکوتی را قاب می‌گیرد که نهاد زبان است.



دیگر هیچ هنرمند و اندیشمندی نمی‌تواند جهان ادب و هنر و فکر را به جنسیت یا جغرافیایی خاص بدوزد و وصله‌پینه‌ای بسازد برای چهره بخشیدن به نظریه یا ایده‌ای نافع و یا چون تجربه‌ای که از قرون گذشته سر برکشیده همه‌چیز را برای نمونه به ایده‌های اقتصادی یا سیاسی چون سوسیالیسم یا لیبرالیسم تقلیل دهد. مگر

می‌توان فلسفه را به مرد و زن و چپ و راست بخش‌بندی کرد؟ یا مگر می‌شود ادبیات را به مهاجر و غیر مهاجر منتسب و یا تکه‌پاره نمود؟ این ناپختگی‌ها منقضی شده‌اند. منقضی بوده‌اند البته. قرن‌ها از عمر دانشکده‌ها می‌گذرد و این خواب که برای مثال شعر از دانشکده‌ی ادبیات بیرون بیاید یا رمان و داستان و یا این که مردها نقاشان حاذق‌تری هستند و زن‌ها عکاسانی بهتر، دیگر به چشم کسی نمی‌آید. البته اگر بیاید مشکل کمبود آفتاب است و شام سنگین که امید است با برنامه‌ریزی مناسب برطرف شود.

بر آن‌ها که چننه‌شان از مطالعه‌ی آثار متنی و غیرمتنی هنرمندان و نویسندگان خالی است و تنها داد زدن و پروپاگاندا ساختن را از ژورنالیسم آموخته‌اند البته حرج و بزه‌ی نیست. می‌ماند آن‌ها که خواننده این لغات را وامی‌گویند. باز امید به بازخوانی و تدقیق است که میسر شود. دیگر وقت آن رسیده و حتی می‌توان گفت که دارد می‌گذرد که نگاه محدود خود را بشناسیم تا شاید فرجی شود و دستی از غیب بیاید و پلک‌هایمان را بازتر کند و ما هم بگذاریم که این گشایش بر ما حادث شود و طراوتی روی نماید در کالبد نیمه‌جانی که از «رفقا» یا «از ما به‌تران» میراث مانده است. روشن است اگر کرکری‌های دکان‌های فرهنگی را پایین کشید و ندید گرفت کاسب‌کاری کسانی را که کلاه فعال فرهنگی بودن را بدون در نظر گرفتن اندازه بر سرهای کوچک‌شان گذاشته‌اند خواهیم دید که صد سالی از روزگار هشدارهای تند متفکران برای دوری از نظام‌هایی که ایده‌های اقتصادی-سیاسی در حال شکل دادن به آن‌ها بوده‌اند می‌گذرد. حالا که دیگر این نظام‌ها جهان را بلعیده‌اند لاقلاً بهتر است بدانیم که ما بلعیده‌شدگان می‌توانیم کنار قایق‌های شکسته‌مان آتشی روشن کنیم؛ آتشی تا پینوکیوی دروغ‌گوی خیال را سر برساند و نسخه‌ی اسارت بی‌معنای ما را در دوگانه‌های رنگ‌ووارنگی چون امید و ناامیدی با قلقلکی در هم پیچد. دیگر باید بدانیم که نه واژه محصور می‌شود و نه خطوط و نقوش؛ نه نت‌ها در سیاه‌چال‌ها خفه می‌شوند و نه تصاویر در قاب‌ها و پرده‌ها گم. باید عبور کرد و از این دام پرید. باید این قول جامی را به آواز بلند خواند که:

نکو رو تاب مستوری ندارد  
ببندی در ز روزن سر برآرد



## 2026 POTENTIAL HOST CITIES



باشگاه

# میزبانی اتحاد آمریکای شمالی

جام جهانی ۲۰۲۶ به میزبانی مشترک کانادا، آمریکا و مکزیک برگزار می‌شود

زمانی که این مطلب را می‌خوانید روزهای  
 اوج مسابقات جام جهانی ۲۰۱۸ را سپری  
 می‌کنیم و تا چند روز دیگر سرنوشت

تحریریه مداد

قهرمان این جام مشخص خواهد شد.

با این وجود نمایندگان کشورهایی که نامزد میزبانی جام جهانی ۲۰۲۶ بودند در روزهای پیش از آغاز مسابقات هیجانی شاید در اندازه هیجان مسابقه فینال را تجربه کردند. لحظات هیجان‌انگیزی که در نهایت با انتخاب میزبانی متحد و مشترک سه کشور آمریکای شمالی آمریکای شمالی را به میزبان یکی از بزرگ‌ترین جام‌های جهانی بدل کرد.

پس از پایان مسابقات روسیه نوبت به قطر خواهد رسید تا در سال ۲۰۲۲ میزبان ۳۲ تیم برگزیده برای جام جهانی بعدی باشد. میزبانی که با انبوهی از مناقشه‌ها و رسوایی‌های مالی و نگرانی‌های مختلف همراه شده است و شاید این کشور را به یکی از چالش‌برانگیزترین میزبانان تاریخ جام جهانی فوتبال بدل کند. جام جهانی قطر آخرین باری است که ۳۲ تیم در قالب هشت گروه مقدماتی در آن به رقابت خواهند پرداخت.



در سال ۲۰۲۶ تعداد تیم‌های شرکت‌کننده در جام جهانی به ۴۸ تیم افزایش خواهد یافت. آن‌ها قرار است در ۱۶ گروه سه تیمی به رقابت گروهی بپردازند و از هر گروه دو تیم به مرحله حذفی صعود خواهند کرد.

بدین ترتیب تعداد بازی‌های جام جهانی از ۶۴ بازی فعلی به ۸۰ مسابقه افزایش خواهد یافت.

سه کشور کانادا، ایالات متحده و مکزیک درحالی‌که به‌تنهایی شانس چندانی برای میزبانی این جام نداشتند اما در کنار هم و با ارائه پیشنهاد میزبانی مشترک موفق شدند ای میزبانی را به دست آورند.

سه شهر مونترال، تورنتو و ادمنتون در کانادا میزبانی این جام را در کنار سه شهر مونتری، گوادالاجرا و مکزیکو سیتی در مکزیک و ده شهر در ایالات متحده میزبان این رقابت‌ها خواهند بود. بدین ترتیب هشت سال دیگر مونترال نیز در رده میزبانان جام جهانی درخواهد آمد. کسی چه می‌داند شاید بازی تیم ملی ایران در این شهر برگزار شود تا تمام شهر رنگ و بوی ایران بگیرد.



# صبحانه در سن لوران

صحبت کردن از مونترال بدون شناختن رودخانه سن لوران بی‌فایده است. به امروز نگاه نکنید که سوار بر هواپیما و در فرودگاه پیر ترودو، وارد مونترال می‌شویم. تا همین چند دهه پیش تنها راه رسیدن به شهر برای مهاجرینی که از سرزمین‌های کهنی مثل اروپا و آسیا می‌آمدند، کشتی بود. شاید به همین دلیل است که بهترین راه برای شناخت و درک درست تاریخ مونترال سوارشدن بر یک کشتی و سفر کردن به سمت مونترال از غرب رودخانه بزرگ سن لوران به سمت شرق است. همان مسیری که کاشفان و بنیان‌گذاران شهر پیمودند. اگر علاقه‌مند شده‌اید و مایلید تجربه مشابهی را انجام دهید، این مطلب را تا انتها بخوانید.

## اول صبحانه

در مونترال چند شرکت کشتی‌رانی کوچک و بزرگ خدمات توریستی رودخانه‌ای ارائه می‌دهند. در بین آن‌ها شرکت AML سرویس ویژه سرو صبحانه روی عرشه کشتی را دارد. این سرویس روی وبسایت شرکت کشتیرانی AML با عنوان BRUNCH CRUISE معرفی شده است. در بلیت نوشته شده است که برای سوارشدن باید به بندر قدیمی مونترال و اسکله بزرگ بندر در مجاورت مرکز علوم و روبروی موزه تاریخ مونترال مراجعه کنید. پیدا کردن آنجا با توجه به تابلوی بزرگ شرکت AML کار سختی نیست.



از حدود ساعت ۱۰:۳۰ صبح مسافران سوار کشتی Cavalier Maxim شده و به طبقات پایینی، جایی که یک سالن زیبای غذاخوری انتظارشان را می‌کشد، راهنمایی می‌شوند. سالن غذاخوری کشتی ماکسیم، سالنی با سقف بلند و دیواره‌های شیشه‌ای به ارتفاع حدود ۴ متر است. تصور لذت بردن از صبحانه و دیدن مناظر اطراف رودخانه از این پنجره‌ها می‌توانست هیجان‌انگیز باشد اما این صبحانه در کنار لنگرگاه و درحالی‌که کشتی متوقف است سرو می‌شود. هرچند اگر زودتر از بقیه رسیده باشید و در ابتدای صف باشید می‌توانید یکی از میزهای رو به رودخانه را با منظره‌ای دلربا انتخاب کنید. برانچ (صبحانه دیروقت) و گردش صبحگاهی روی رودخانه سن لوران فقط روزهای شنبه و یکشنبه ارائه می‌شود و برای هر بزرگسال قبل از مالیات ۶۰ دلار و برای کودکان ۳۵ دلار هزینه دارد. یک خانواده چهارنفری شامل والدین و دو فرزند می‌توانند بسته ۱۷۰ دلاری را بخرند.

## بادبان‌ها را بکشید!

بعد از حدود یک ساعت و زمانی که همه صبحانه را خوردند، می‌توانید به عرشه بالایی کشتی بروید و زیر آفتاب تابستانی به تماشای رودخانه بپردازید. حدود ساعت ۱۱:۳۰ کشتی به آرامی از اسکله جدا می‌شود و راه خود به سمت جریان رودخانه را در پیش می‌گیرد. یک راهنمای گردشگری دوزبانه در زمان حرکت شما روی سن لوران درباره تک‌تک ساختمان‌ها و تأسیسات اطراف رودخانه صحبت می‌کند. اطلاعات ارزشمندی که می‌توان آن را چکیده تاریخ پیدایش و توسعه شهر مونترال دانست. مثلاً آیا می‌دانستید که یکی از انبارهای یخچال دار قدیمی اطراف بندر قدیمی مونترال که زمانی برای نگهداری میوه و سبزی وارداتی یا صادراتی از مونترال مورد استفاده قرار می‌گرفته است، امروز به گران‌ترین کاشانه‌های مسکونی مرکز شهر تغییر کاربری داده

نمای کامل کشتی زیر پل  
ژگ کرتیه: وبسایت AML <

تا جایی که یکی از واحدهای ساخته‌شده بر فراز پشت‌بام آن حدود ۳ میلیون دلار قیمت دارد؟

سفر رودخانه‌ای شما حدود دو ساعت به طول می‌انجامد. با کشتی تا شرق مونترال و محدوده منطقه Boucherville (بوشرویل) پیش خواهید رفت و بعد از دیدن جزایر زیبا و کوچک آن محدوده، دور زده و باز خواهید گشت. وقتی که کشتی پهلو می‌گیرد دوباره قدم روی زمین سفت می‌گذارید تصویری متفاوت از مونترال در ذهن خواهید داشت و بیشتر از قبل به این شهر علاقه‌مند خواهید شد؛ اما هنوز کار ما تمام نشده است.

### پیشنهاد جانبی اول: از رودخانه به عمق زمان

از کشتی که پیاده می‌شوید، درست روبرویتان ساختمان زیبای موزه باستان‌شناسی و تاریخ مونترال (Pointe-à-Callière) قرار دارد که این روزها مجموعه‌ای کم‌نظیر از زندگی و مرگ ملکه‌های مصر باستان را در خود جای‌داده است. توصیه می‌کنیم حالا که تا بندر قدیمی رفته‌اید و در نزدیکی موزه هستید حتماً سری هم به این نمایشگاه بزنید و از مومیایی‌ها، جواهرات ملکه‌های مصری، مقبره‌هایشان و خدایانشان بازدید به عمل آورید.

### پیشنهاد جانبی دوم: مونترال از بالا

اگر می‌خواهید روز تعطیل خود را به غنی‌ترین شکل ممکن خاتمه دهید، پیشنهاد ما این است که این سفر تفریحی به قلب تاریخی شهر را با سوارشدن بر چرخ‌وفلک عظیم مونترال خاتمه دهید. از موزه که بیرون آمدید، کمی سرتان را به اطراف بچرخانید تا چرخ‌وفلک بزرگ مونترال را ببینید. این چرخ بزرگ حدود ۵۴ کابین خنک و کولر دار دارد که برای این روزهای گرم بسیار مفید است. کف یکی از کابین‌ها شیشه‌ای است که اگر جرئت کافی و همچنین جیب پرپول دارید، پیشنهاد می‌کنیم حتماً این کابین را بگیرید. دیدن شهر از آن بالا تصویری متفاوت از مونترال در ذهنتان ایجاد می‌کند.



## مسیری برای قدم زدن

از چرخ‌وفلک که پیاده شدید، کمی که قدم بزنید به تقاطع خیابان سن لوران می‌رسید که عمود بر بندر قدیمی مونترال رو به شمال بالا می‌رود. درست در ابتدای این خیابان در سمت بندر، یک تابلوی برنزی کوچک قرار دارد که از آرزوهای صدها هزاران نفری می‌گوید که اینجا از کشتی‌ها پیاده شده و قدم به خاک مونترال گذاشته‌اند. هزاران هزار مهاجری که با آرزوی مشترک ساختن آینده‌ای بهتر به این جزیره زیبا آمدند و بعد از سن لوران و خیابان مشهور آن، هر کدام مسیری متفاوت برای آبادتر ساختن مونترال بزرگ برداشتند. پرتغالی‌ها، ایتالیایی‌ها، یونانی‌ها، چینی‌ها، هندی‌ها و ...

آیا هیچ ایرانی با کشتی قدم به خاک مونترال گذاشته؟ به‌راستی قدیمی‌ترین مونترالی ایرانی‌تبار چه کسی بوده است؟ شاید یک دانشجوی تاریخ که الآن که مشغول خواندن این سطور است، روزی جواب ما را بدهد.

## نکات مهم

عینک آفتابی، کلاه، یک بطری آب خوردن و دوربین عکاسی یادتان نرود!





Cruelty Free  
INTERNATIONAL

یادداشت

دختر کولی

# تو می میری و من زیبا می شوم

وقتی که برای مهمانی آماده می شوم و روبروی آینه مشغول آرایش صورتم هستم، تصویر آن خرگوش با چشم‌های قی کرده جلو چشم‌هایم می آید. گوشه قفس کز کرده و چشم‌های سرخ ریمل کشیده‌اش را ترس و استیصال پر کرده است. هرسال تعداد زیادی از حیوانات کشته می شوند تا ما رنگ و لعاب چهره‌هایمان را به رخ هم بکشیم. این وجهه زشت صنعت زیبایی ما آدم‌ها است.

آمارها نشان می دهد که سالانه حدود پانصد هزار خرگوش، موش، خوکچه‌هندی و همستر تنها به خاطر آزمایش مواد آرایشی بر روی بدنشان، رنج می کشند یا کشته می شوند. مواد شیمیایی در گلو یا چشم‌های آن‌ها چکانده می شود یا بر روی پوست تراشیده شده آن‌ها اعمال می گردد. نتایج آزمایش‌هایی که تن و روان این حیوانات را تحت شکنجه قرار می دهد و با حیات این موجودات بازی می کند، صرف ساخت لوازمی می شود که بخش غیر حیاتی زندگی ما را پوشش می دهد. درحالی که روش‌های جایگزین معتبری برای آزمودن مواد آرایشی وجود دارد که در آن‌ها حیوانات مورد استثمار قرار نمی گیرند.

در برخی از کشورها، نظیر اعضای اتحادیه اروپا، آزمایش لوازم آرایش بر روی حیوانات ممنوع شده است ولی همچنان در ۸۰ درصد از کشورهای جهان از جمله کانادا، قانونی برای ممنوعیت این عمل وجود ندارد.

بر اساس برخی از نظرسنجی‌های انجام شده ۸۸ درصد مردم کانادا با این آزمایش‌ها مخالف هستند و از سال ۲۰۱۳ کمپینی توسط دو نهاد [Humane Society International](#) و [Animal Alliance of Canada](#) به راه افتاده است که هدف آن مصوب کردن ممنوعیت استفاده از حیوانات برای آزمایش محصولات آرایشی و زیبایی در کانادا است.

نمی‌توانیم بر رنجی که حیوانات بی‌پناه از خودپسندی‌های ما می‌برند چشم ببندیم و همچنان خود را اشرف مخلوقات زمین بدانیم. از این به بعد در زمان خرید لوازم آرایشی و بهداشتی فقط محصولات را انتخاب می‌کنم که نشان Cruelty-Free داشته باشند و یا مطمئن باشم که بر روی حیوانات آزمون نمی‌شوند. چرا که خوب می‌دانم در جهنم سایر ساکنان سیاره، بهشتی برای ما آدمیان وجود نخواهد داشت.

# جایی برای آبتنی!

**آزاده مقدم** مونترال یک رودخانه دارد به نام سن لوران و یک شهردار دارد به نام خانم والرئ پلانت. چند روز پیش خانم شهردار به اتفاق ۱۴۰ نفر از همکارانش داخل این رود پریدند تا مردم را به شنا در آن تشویق کنند. رسانه‌ها عکس‌هایی منتشر کردند از شهردار و همکاران درحالی‌که با شوق و نشاطی کودکانه در هوا دست‌وپا می‌زنند تا به آب رودخانه برسند. خوب طبیعتاً پوشش جماعت نسوان هم در حد مایو بود آن‌هم از نوع دو تیکه. عکس بعدی خانم شهردار را نشان می‌دهد، که با موهای خیس و آویزان از آب بیرون می‌آید و خوب شادی‌اش هم تمام شده است. چند وقت پیش هم همین خانم دلش برای اسب‌های درشکه مرکز شهر سوخت و گفت کالسکه‌ها را برقی می‌کنند و کمی قبل‌ترش، وقتی تازه شهردار شده بود، رسانه‌ها عکسی را نشان می‌دادند که ایشان و آقای نخست‌وزیر به‌مثابه دو دوست قدیمی در حال گپ و گفت هستند.



کانادا یک نخست‌وزیر دارد به نام آقای جاستین ترودو. او مرد خیلی مهربان، باکلاس و خوش‌رفتاری است. گمان کنم یک تقویم گنده روی دیوار اتاق کارش دارد که روی آن عیدهای همه ادیان و سال نوه‌های همه کشورها نوشته شده است. تا آقای نخست‌وزیر بتواند هرروز بیاید جلو دوربین و یک مناسبتی را به یک عده‌ای، هرچقدر قلیل تبریک بگوید. او حتی برای اینکه خیلی شیک و امروزی‌تر از امروزی باشد، کابینه‌اش را با پانزده وزیر زن و پانزده وزیر مرد تشکیل داد. جوراب‌هایش هم نقش گل‌وبته و رنگ‌های عجیب دارند! او یوگا می‌کند همسرش رو جلو دوربین عکاس‌ها می‌بوسد و عکس‌های مدل مانند می‌گیرد. شهردار همین منطقه خود خودمان هم یک خانم است به اسم خانم مونتگومری. همین چند وقت پیش‌ها با ایرانی‌های محل، کیسه‌زباله گرفتند دستشان و آشغال‌های یک گوشه محل حکومتش را باهم جمع کردند.

تا جایی که من دیدم، اینجا مردم سعی می‌کنند مؤدب باشند و سیاستمداران هم تلاش می‌کنند تابلو بی‌ادب نباشند و اگر قرار است سری را هم ببرند با پنبه این کار را بکنند. حالا گیرم که اینجا کار قشنگ‌هایشان را می‌کنند آن ور دنیا کار زشتشان را، اما لبخند فراموششان نمی‌شود!

گمانم آدمیزاد و سیاست‌مدار هرچقدر هم که طنز و بامزه و گاهی هم خبیث و بدجنس باشد، خیلی مهم است که کجای دنیا دارد مزه ریزی می‌کند و یا پلیدی به خرج می‌دهد! مثلا کنار رود سن لوران یا کنار رودخانه کارون و اروند؟



قهوه‌ای که به نماد یک ملت بدل شد

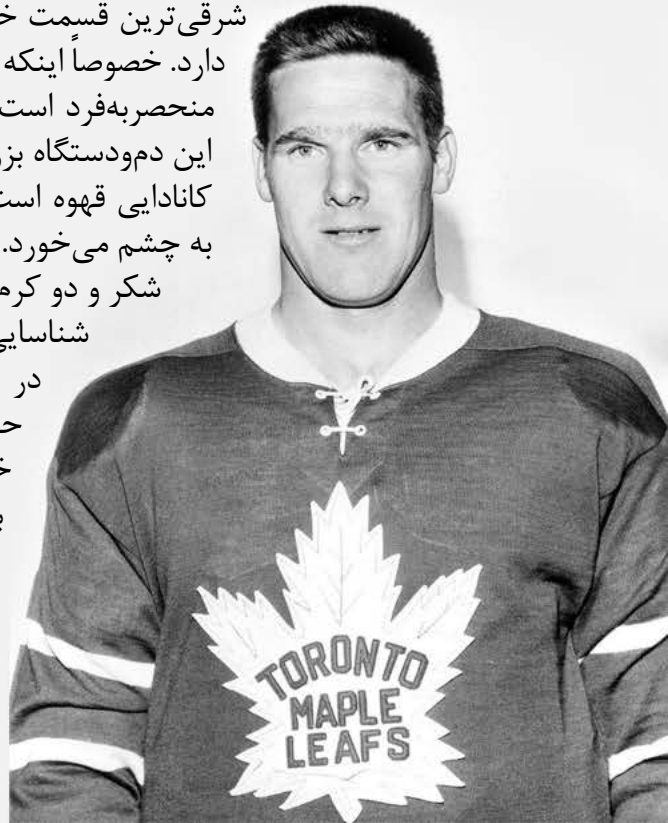
## تیم هورتونز

# رؤیای کانادایی یک بازیکن هاکی



مریم ایرانی

اتومبیل در یک شب گرم و خلوت تابستانی در خیابان شربروک به سمت شرق در حرکت است. مردمی که از صبح در جنب‌وجوش برگزاری جشن‌های روز ملی کانادا بوده‌اند، حالا به خانه‌هایشان بازگشته‌اند. نسیم گرم ابتدای ماه ژوئیه، بوی رطوبت چمن‌ها را در هوایی شرجی در فضا پراکنده است. ماه تقریباً کامل در آسمانی نیمه‌ابری، مدام بالا و پایین می‌شود. کم‌کم تابلوهایی که نشان می‌دهند، انتهای خیابان شربروک نزدیک است، به چشم می‌آیند. درست در همین حوالی یک کافی شاپ تیم هورتونز زیبا، با چراغ‌های قرمز و طراحی همیشگی و آشنایش دیده می‌شود که بسیار نزدیک به کانال بزرگی است که یکی از مهم‌ترین شاخه‌های رود سنت لوران از آن عبور می‌کند. مثل همه تیم‌هورتونزهایی که در مسیرهای سفر به استان‌های دیگر کانادا محلی برای توقف و رفع خستگی هستند، نشستن در این مغازه زیبا و بکر هم در انتهای شرقی‌ترین قسمت خیابان شربروک لذت ویژه‌ای دارد. خصوصاً اینکه طراحی داخلی‌اش هم بسیار منحصربه‌فرد است. تابلوی بزرگی از کسی که این دمو دستگاه بزرگ را که پرفروش‌ترین برند کانادایی قهوه است به راه انداخت، روی دیوار به چشم می‌خورد. امروزه، قهوه‌ای با ترکیب دو شکر و دو کرم یا همان دابل-دابل، علامت شناسایی یک برند محبوب کانادایی در سراسر آمریکای شمالی و حتی بخش‌هایی از اروپا و خاورمیانه است. شاید درست به همین دلیل در حوالی روز ملی کانادا باید به سراغ تیم هورتونز رفت.



## شراکت سرنوشت‌ساز بازیکن تیم هاکی

تیم هورتون، Tim Horton، پسری از اهالی شهر هامیلتون، یکی از بازیکنان ثابت تیم هاکی روی یخ استان انتاریو بود. او سال‌ها در پست دفاع، با قدرت بدنی بالایی که داشت برای تیم تورنتو میپیل لیف به میدان‌های ورزشی می‌رفت و رکوردهای بسیار بزرگی هم به‌جای گذاشت. البته به‌جز این تیم مشهور، تیم هورتون برای چندین تیم مطرح آمریکایی هم بازی کرده است اما به‌جرت می‌توان گفت که پرافتخارترین سال‌های ورزش حرفه‌ای او به حدفاصل سال‌های ۱۹۶۱ تا ۱۹۶۸ با تیم میپیل لیف برمی‌گردد. در اواسط دوران بازی حرفه‌ای تیم هورتون، او با مردی به نام جیم چاراد - Jim Cha-rade آشنا شد که سرنوشت او را از یک بازیکن پرافتخار تیم هاکی به یک مرد سرمایه‌دار و بزرگ تغییر داد. جیم چاراد، فردی علاقه‌مند به تجارت ولی اندکی بداقبال بود. او سال‌های زیادی تلاش کرده بود تا یک سری رستوران‌های زنجیره‌ای قهوه و دونات به راه بیندازد ولی همه تیرهایش به سنگ خورده بود و به‌اصطلاح کارش رونق و بازار خوبی پیدا نکرده بود. برای همین هم به ذهنش رسید که از یک نام مشهور برای اهداف تجاری‌اش استفاده کند. او با چند واسطه با تیم هورتون که آن روزها در هاکی نام بزرگی برای خودش شده بود، وارد مذاکراتی شد و توانست او را قانع به سرمایه‌گذاری برای طرح‌هایش بکند. ولی تیم هورتون علاقه‌ای به فروختن دونات و قهوه نداشت و به این دلیل آن‌ها نخستین مغازه خود را در قالب یک همبرگر فروشی در منطقه‌ای به نام North Bay در استان انتاریو به راه انداختند. ولی ظاهراً سرنوشت مسیر دیگری برای تیم هورتون انتخاب کرده بود. کار همبرگر فروشی اصلاً امیدوارکننده پیش نرفت و در آوریل ۱۹۶۴، تیم هورتون و چاراد اولین مغازه تیم هورتونز را که امروز در ایستگاه پمپ‌بنزین قدیمی در شهر هامیلتون واقع شده به راه



انداختند. برای شروع آن‌ها هر دونات را ۶۹ سنت و هر فنجان قهوه را ۱۰ سنت می‌فروختند و دونات‌هایشان دو طعم هم بیشتر نداشت. باین حال بالاخره اتفاقی که سال‌ها جیم چاراد منتظر آن بود رخ داد. ایده جدید او و تیم هورتون به سرعت شهرت پیدا کرد و دونات‌های آن‌ها در دهه ۶۰ تبدیل به دونات‌های مشهور کانادا تا به امروز شدند. به زودی شعبات جدید تیم هورتون در جاهای مختلف افتتاح شدند.

## مرگ نابهنگام و میراثی که ۴۰ سال باقی ماند

در سال ۱۹۶۷، تعداد این شعبات به ۳ تا رسیده بود که یک افسر پلیس سابق شهر هامیلتون به نام رون جویس Ron Joyce برای شراکت با تیم هورتون اعلام آمادگی کرد. این دو نفر با یکدیگر شعبه چهارم تیم هورتون را راه انداختند. در سال ۱۹۶۸ دیگر تیم هورتون نه تنها یک نام مشهور ورزشی بلکه یکی از مولتی میلیونرهای محبوب کانادا هم شده بود. او با مجموعه کافی‌شاپ‌های زنجیره‌ای‌اش ثروت بزرگی را به ارمغان آورد. ولی ناباورانه و در اوج قدرت در سال ۱۹۷۴ در یک تصادف رانندگی، اندکی بعد از برد در یک بازی تیم هاکی میپل لیف و درحالی که یکی از سه ستاره زمین انتخاب شده بود، درگذشت.

نکته عجیب این بود که او در مسیر خود توقف کوتاهی هم پیش رون جویس کرد و چون حال مناسبی به دلیل مصرف الکل برای رانندگی نداشت، جویس از او خواهش کرد که همراه تیم هورتون شود و نگذارد رانندگی کند ولی او این مسئله را رد کرد.

مرگ تیم هورتون، تمام کانادا را در بهت فرو برد و شرکای تجاری‌اش را نگران کرد. آن‌ها نمی‌دانستند آینده این کافی‌شاپ‌ها چه خواهد شد. در این میان اما رون جویس نگذاشت کسب و کار رفیق و شریک از دست رفته‌اش روی زمین بماند. او به سرعت سهم یک میلیون دلاری خانواده تیم هورتون را از همسر بیوه او خرید و مالک این تجارت مشهور شد. تا آن زمان ۴۰ کافی‌شاپ به نام تیم هورتونز در سطح کانادا وجود داشت که باهمت و



مدیریت جویس، تعداد آن‌ها در سال ۲۰۱۳ به ۴۶۰۰ شعبه رسید. پسر ارشد رون جویس چند سال بعد با دختر بزرگ تیم هورتون ازدواج کرد و این باعث عمیق‌تر شدن ریشه‌های خانوادگی و تجاری آن‌ها شد. البته همسر تیم هورتون بعدها از فروش سهمش به رون جویس پشیمان شد و چندین بار علیه او شکایاتی را مطرح کرد ولی راه به جایی نبرد. با این حال دخترش به‌عنوان عروس جویس هم‌اکنون به همراه شوهرش یعنی پسر رون جویس، شعبه‌ای از تیم هورتون در انتاریو را اداره می‌کنند. رون جویس برای یادبود تیم هورتون، یک بنیاد خیریه حمایت از کودکان تأسیس کرد و بارها به‌عنوان مدیر و کارآفرین نمونه کانادایی در انجمن‌ها و محافل مشهور مورد تقدیر قرار گرفت.

## حقایق جالب درباره کافی‌شاپ‌های تیم هورتونز

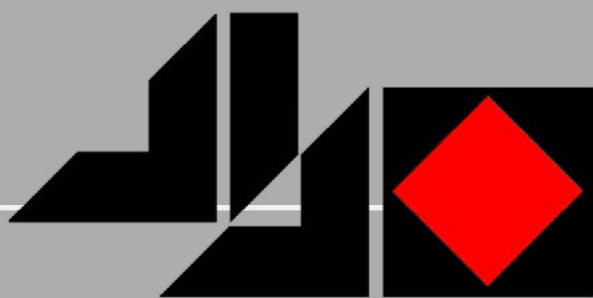
در سال ۱۹۷۶ و حدود دو سال بعد از مرگ تیم هورتون، ایده جدید TIMBIT که یک نوع دونات لقمه‌ای بود به‌سرعت محبوب شد و انواع طعم‌های آن وارد کافی‌شاپ‌های تیم هورتونز شدند. امروز هم اگر سراغ کافی‌شاپ‌های تیم هورتونز بروید، آن‌ها را خواهید یافت. به تدریج و در گذر سال‌ها انواع مافین، کیک، کروسان و حتی غذاهای گرم هم به منوی کافی‌شاپ‌ها اضافه شدند. کانادایی‌ها سالانه در حدود ۱۴ میلیارد فنجان قهوه مصرف می‌کنند که از این تعداد دو میلیارد فنجان آن را تیم هورتونز تهیه می‌کند. این مقدار مصرف قهوه حتی از آمریکا، ایتالیا و فرانسه هم بیشتر است. میزان فروش قهوه در کافی‌شاپ‌های تیم هورتونز از رقبایی چون استارباکس در کانادا بیشتر است. همچنین میزان مصرف دونات کانادایی‌ها نسبت به همسایه خود یعنی آمریکا به لطف دونات‌های تیم هورتونز بیشتر است. به‌عنوان یک فست فود هم تیم هورتونز در کانادا محبوبیت خودش را دارد و حتی با مک‌دونالد می‌تواند رقابت کند. قهوه محبوب و پرفروش تیم هورتونز که به دابل-دابل مشهور است و معنی دو شکر و دو کرم در قهوه را می‌دهد، آن قدر شهرت جهانی پیدا کرد که به‌عنوان



یک کلمه وارد دیکشنری آکسفورد در سال ۲۰۰۴ میلادی شد. یکی از مشهورترین چهره‌های سیاسی که اولین بار دابل-دابل را در آمریکا سر زبان‌ها انداخت، کاندولیزا رایس بود. او بعد از سفری که به کانادا داشت و از این قهوه محبوب نوشید یکی از طرفداران آن شد. بعد از اعتراضات جدایی‌طلبان کبکی و هواداران حفظ زبان فرانسه و حذف تمام نام‌های انگلیسی از مغازه‌ها، کافی‌شاپ‌های تیم هورتونز مجبور شدند که عنوان مغازه خود را از Tim Horton's به Tim Hortons (با حذف آپاستروف که علامت زبان انگلیسی است) تغییر بدهند تا بتوانند در کبک باقی بمانند و بعدها این تغییر را به‌طور رسمی در تمام شعب داخلی و خارجی هم اعمال کردند.

در سال ۲۰۱۴ برگر کینگ که یک برند آمریکایی است اعلام آمادگی برای خرید تیم هورتونز با پیشنهاد ۱۱,۴ میلیارد دلاری کرد؛ اما کانادایی‌ها تیم هورتونز را نفروختند. آن‌ها این برند را یک هویت ملی می‌دانند که نمی‌خواهند به دست آمریکایی‌ها بیفتد. امروز همه از تأثیر مهم تیم هورتونز بر روی فرهنگ کانادایی آگاهی دارند. توجه بیش‌ازحد کانادایی‌ها به این برند مشهور و منوهای محبوبی چون TIMBIT یا همان دونات لقمه‌ای باعث شده که برخی کانادا را ملت TIMBIT هم بدانند. مقالات و تحقیقات زیادی در این زمینه وجود دارند و حتی موزه‌ای هم در شهر هامیلتون برای این برند محبوب وجود دارد. تیم هورتونز بخش مهمی از هویت ملی مردم کانادا است که روزی رؤیای یک بازیکن تیم هاکی بود.





دانشگاه

اگر از خواندن **مداد** لذت می‌برید  
اشتراک آن را  
به دوستان خود پیشنهاد دهید  
اشتراک مداد رایگان است

فرم اشتراک